

[Afghanistan Digital Library](http://hdl.handle.net/2333.1/7pvmcvhc)

adl0007

<http://hdl.handle.net/2333.1/7pvmcvhc>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثَلَاثَ أَفْرَاقٍ

حسب الامير طليل القدر صاحب تلج و فليح مروج دين بين حبيب المير
خا سراج الملوك الدين طلال النعمه و برة ويدا مره و شيد قد و فاض على

پس از تدقیق تحقیق فرمید

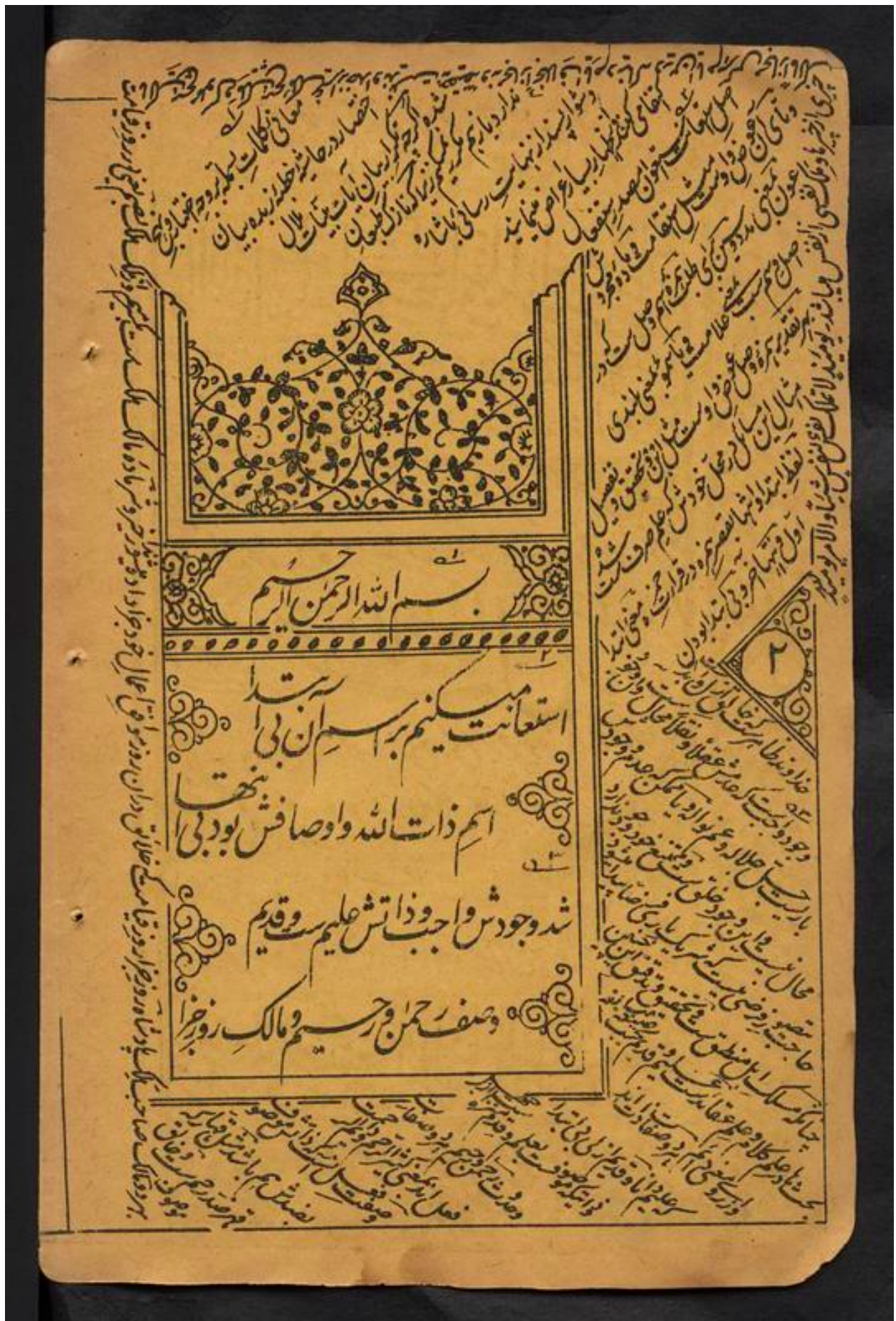
تاکید ہمراہ زبند تجویز این سالہ حمیدہ باحواشی جدیدہ لکھی ہے۔

فتح الافعال تحف الاطفال
مستطو نظير
الكميا اثر

گر دیده طبع شده جهت روح بر قوچ ضیاء الهی الدین
مرحوم حنبت مکان خلد ایشان

له والد ماجد پادشاه شوکت و گاه زمان ست محضاً فی سبیل الله
بجی چند در این تمام تمام الا کلام راجی عفو رینان حاجی عبدالحق ولد پطرس

مطبع مطبع المطابع المطابع المطابع المطابع



مصدق الشواهد نسبت این تغییر را منتهی نظم و معنی که در کتب استخراج
مصدق الشواهد نسبت آنرا یک است به ترتیب الفاظ و آراء که منتهی فصیح و زاهد است

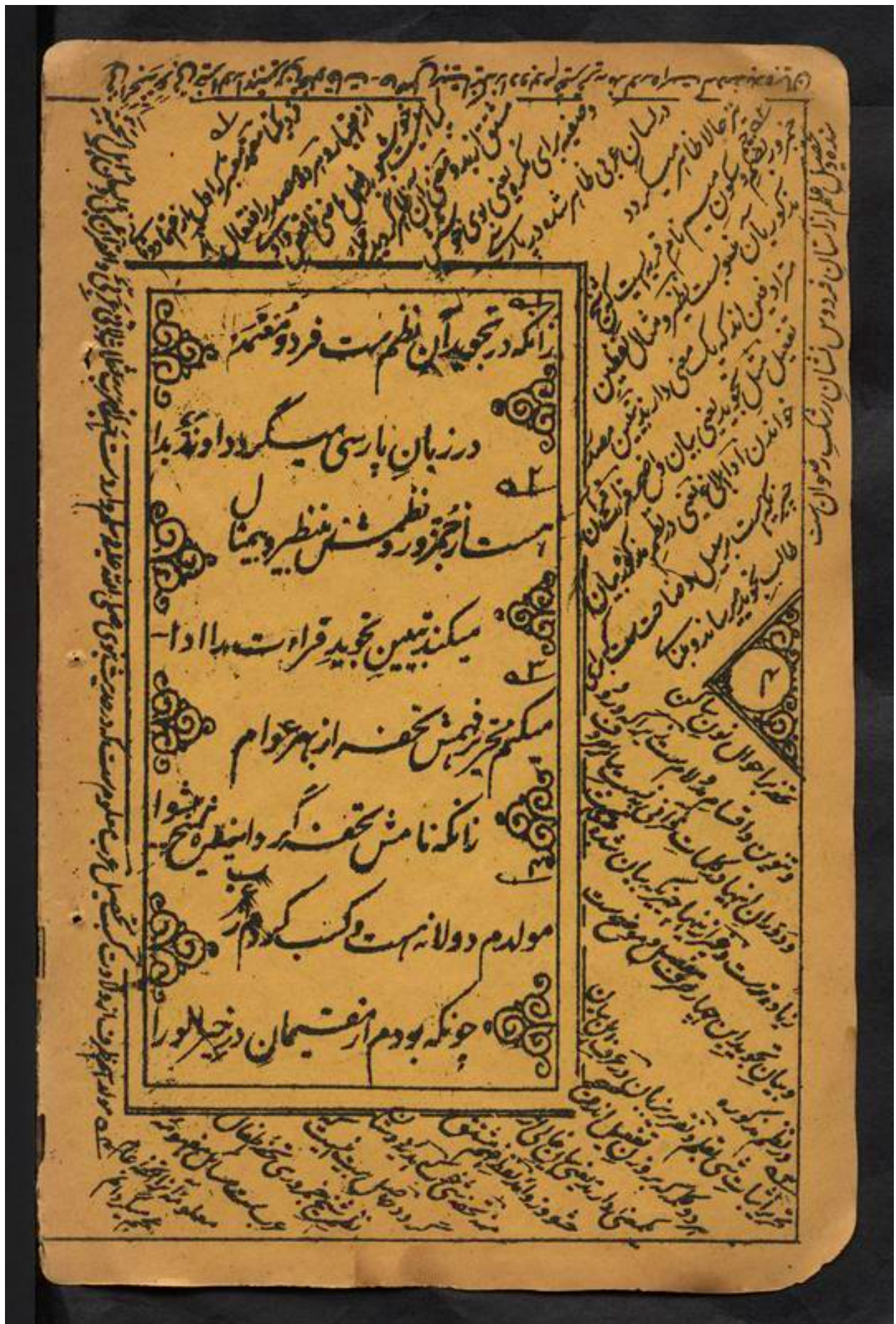
مکن از خواهد مدد از واجب تحقیق او
کو معین است و نصیر و مادی راه
چشم بیع حمد از هر حمد از بهر است
زانکه انعامش بعالم هست در اخص سما
پس درود بی نهایت هم سلام بی
بر رسول و آل و اصحاب کرامش دایما
بعد از این بنو کنی آرم نظم پار
منفی نظم سلیمانیکه هست اوقت

معین مددگار نصیر آموذی رانها
دینی دولت و مطلوب آخر ابرایت
را نمودن و طلب و بصلال غنی
اول حاصل و عیب و ثانی فاضل
و مجاز ابر و دوام
چند بر وجه که باشد و روش و بصلال
از این مفعول و باقی
و عام که همه را
و

بنی الخافض
مخلی بیت العالم
قائم با کواکب که دانت مشیو داران وجود
آن آرض مسافر و عالم است از ان فریاد
واجب لایق و شریک بود در امر و جلیان
شکریان
مفسد سازند حال

و به قدره
عدد فرد اول
دو حایث خودست بنابرین
عدد بد شد اگر چه عدد اول
مثلاً ۱ و ۳ و ۵ و ۷ و ۹ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۵ و ۲۷ و ۲۹ و ۳۱ و ۳۳ و ۳۵ و ۳۷ و ۳۹ و ۴۱ و ۴۳ و ۴۵ و ۴۷ و ۴۹ و ۵۱ و ۵۳ و ۵۵ و ۵۷ و ۵۹ و ۶۱ و ۶۳ و ۶۵ و ۶۷ و ۶۹ و ۷۱ و ۷۳ و ۷۵ و ۷۷ و ۷۹ و ۸۱ و ۸۳ و ۸۵ و ۸۷ و ۸۹ و ۹۱ و ۹۳ و ۹۵ و ۹۷ و ۹۹ و ۱۰۱ و ۱۰۳ و ۱۰۵ و ۱۰۷ و ۱۰۹ و ۱۱۱ و ۱۱۳ و ۱۱۵ و ۱۱۷ و ۱۱۹ و ۱۲۱ و ۱۲۳ و ۱۲۵ و ۱۲۷ و ۱۲۹ و ۱۳۱ و ۱۳۳ و ۱۳۵ و ۱۳۷ و ۱۳۹ و ۱۴۱ و ۱۴۳ و ۱۴۵ و ۱۴۷ و ۱۴۹ و ۱۵۱ و ۱۵۳ و ۱۵۵ و ۱۵۷ و ۱۵۹ و ۱۶۱ و ۱۶۳ و ۱۶۵ و ۱۶۷ و ۱۶۹ و ۱۷۱ و ۱۷۳ و ۱۷۵ و ۱۷۷ و ۱۷۹ و ۱۸۱ و ۱۸۳ و ۱۸۵ و ۱۸۷ و ۱۸۹ و ۱۹۱ و ۱۹۳ و ۱۹۵ و ۱۹۷ و ۱۹۹ و ۲۰۱ و ۲۰۳ و ۲۰۵ و ۲۰۷ و ۲۰۹ و ۲۱۱ و ۲۱۳ و ۲۱۵ و ۲۱۷ و ۲۱۹ و ۲۲۱ و ۲۲۳ و ۲۲۵ و ۲۲۷ و ۲۲۹ و ۲۳۱ و ۲۳۳ و ۲۳۵ و ۲۳۷ و ۲۳۹ و ۲۴۱ و ۲۴۳ و ۲۴۵ و ۲۴۷ و ۲۴۹ و ۲۵۱ و ۲۵۳ و ۲۵۵ و ۲۵۷ و ۲۵۹ و ۲۶۱ و ۲۶۳ و ۲۶۵ و ۲۶۷ و ۲۶۹ و ۲۷۱ و ۲۷۳ و ۲۷۵ و ۲۷۷ و ۲۷۹ و ۲۸۱ و ۲۸۳ و ۲۸۵ و ۲۸۷ و ۲۸۹ و ۲۹۱ و ۲۹۳ و ۲۹۵ و ۲۹۷ و ۲۹۹ و ۳۰۱ و ۳۰۳ و ۳۰۵ و ۳۰۷ و ۳۰۹ و ۳۱۱ و ۳۱۳ و ۳۱۵ و ۳۱۷ و ۳۱۹ و ۳۲۱ و ۳۲۳ و ۳۲۵ و ۳۲۷ و ۳۲۹ و ۳۳۱ و ۳۳۳ و ۳۳۵ و ۳۳۷ و ۳۳۹ و ۳۴۱ و ۳۴۳ و ۳۴۵ و ۳۴۷ و ۳۴۹ و ۳۵۱ و ۳۵۳ و ۳۵۵ و ۳۵۷ و ۳۵۹ و ۳۶۱ و ۳۶۳ و ۳۶۵ و ۳۶۷ و ۳۶۹ و ۳۷۱ و ۳۷۳ و ۳۷۵ و ۳۷۷ و ۳۷۹ و ۳۸۱ و ۳۸۳ و ۳۸۵ و ۳۸۷ و ۳۸۹ و ۳۹۱ و ۳۹۳ و ۳۹۵ و ۳۹۷ و ۳۹۹ و ۴۰۱ و ۴۰۳ و ۴۰۵ و ۴۰۷ و ۴۰۹ و ۴۱۱ و ۴۱۳ و ۴۱۵ و ۴۱۷ و ۴۱۹ و ۴۲۱ و ۴۲۳ و ۴۲۵ و ۴۲۷ و ۴۲۹ و ۴۳۱ و ۴۳۳ و ۴۳۵ و ۴۳۷ و ۴۳۹ و ۴۴۱ و ۴۴۳ و ۴۴۵ و ۴۴۷ و ۴۴۹ و ۴۵۱ و ۴۵۳ و ۴۵۵ و ۴۵۷ و ۴۵۹ و ۴۶۱ و ۴۶۳ و ۴۶۵ و ۴۶۷ و ۴۶۹ و ۴۷۱ و ۴۷۳ و ۴۷۵ و ۴۷۷ و ۴۷۹ و ۴۸۱ و ۴۸۳ و ۴۸۵ و ۴۸۷ و ۴۸۹ و ۴۹۱ و ۴۹۳ و ۴۹۵ و ۴۹۷ و ۴۹۹ و ۵۰۱ و ۵۰۳ و ۵۰۵ و ۵۰۷ و ۵۰۹ و ۵۱۱ و ۵۱۳ و ۵۱۵ و ۵۱۷ و ۵۱۹ و ۵۲۱ و ۵۲۳ و ۵۲۵ و ۵۲۷ و ۵۲۹ و ۵۳۱ و ۵۳۳ و ۵۳۵ و ۵۳۷ و ۵۳۹ و ۵۴۱ و ۵۴۳ و ۵۴۵ و ۵۴۷ و ۵۴۹ و ۵۵۱ و ۵۵۳ و ۵۵۵ و ۵۵۷ و ۵۵۹ و ۵۶۱ و ۵۶۳ و ۵۶۵ و ۵۶۷ و ۵۶۹ و ۵۷۱ و ۵۷۳ و ۵۷۵ و ۵۷۷ و ۵۷۹ و ۵۸۱ و ۵۸۳ و ۵۸۵ و ۵۸۷ و ۵۸۹ و ۵۹۱ و ۵۹۳ و ۵۹۵ و ۵۹۷ و ۵۹۹ و ۶۰۱ و ۶۰۳ و ۶۰۵ و ۶۰۷ و ۶۰۹ و ۶۱۱ و ۶۱۳ و ۶۱۵ و ۶۱۷ و ۶۱۹ و ۶۲۱ و ۶۲۳ و ۶۲۵ و ۶۲۷ و ۶۲۹ و ۶۳۱ و ۶۳۳ و ۶۳۵ و ۶۳۷ و ۶۳۹ و ۶۴۱ و ۶۴۳ و ۶۴۵ و ۶۴۷ و ۶۴۹ و ۶۵۱ و ۶۵۳ و ۶۵۵ و ۶۵۷ و ۶۵۹ و ۶۶۱ و ۶۶۳ و ۶۶۵ و ۶۶۷ و ۶۶۹ و ۶۷۱ و ۶۷۳ و ۶۷۵ و ۶۷۷ و ۶۷۹ و ۶۸۱ و ۶۸۳ و ۶۸۵ و ۶۸۷ و ۶۸۹ و ۶۹۱ و ۶۹۳ و ۶۹۵ و ۶۹۷ و ۶۹۹ و ۷۰۱ و ۷۰۳ و ۷۰۵ و ۷۰۷ و ۷۰۹ و ۷۱۱ و ۷۱۳ و ۷۱۵ و ۷۱۷ و ۷۱۹ و ۷۲۱ و ۷۲۳ و ۷۲۵ و ۷۲۷ و ۷۲۹ و ۷۳۱ و ۷۳۳ و ۷۳۵ و ۷۳۷ و ۷۳۹ و ۷۴۱ و ۷۴۳ و ۷۴۵ و ۷۴۷ و ۷۴۹ و ۷۵۱ و ۷۵۳ و ۷۵۵ و ۷۵۷ و ۷۵۹ و ۷۶۱ و ۷۶۳ و ۷۶۵ و ۷۶۷ و ۷۶۹ و ۷۷۱ و ۷۷۳ و ۷۷۵ و ۷۷۷ و ۷۷۹ و ۷۸۱ و ۷۸۳ و ۷۸۵ و ۷۸۷ و ۷۸۹ و ۷۹۱ و ۷۹۳ و ۷۹۵ و ۷۹۷ و ۷۹۹ و ۸۰۱ و ۸۰۳ و ۸۰۵ و ۸۰۷ و ۸۰۹ و ۸۱۱ و ۸۱۳ و ۸۱۵ و ۸۱۷ و ۸۱۹ و ۸۲۱ و ۸۲۳ و ۸۲۵ و ۸۲۷ و ۸۲۹ و ۸۳۱ و ۸۳۳ و ۸۳۵ و ۸۳۷ و ۸۳۹ و ۸۴۱ و ۸۴۳ و ۸۴۵ و ۸۴۷ و ۸۴۹ و ۸۵۱ و ۸۵۳ و ۸۵۵ و ۸۵۷ و ۸۵۹ و ۸۶۱ و ۸۶۳ و ۸۶۵ و ۸۶۷ و ۸۶۹ و ۸۷۱ و ۸۷۳ و ۸۷۵ و ۸۷۷ و ۸۷۹ و ۸۸۱ و ۸۸۳ و ۸۸۵ و ۸۸۷ و ۸۸۹ و ۸۹۱ و ۸۹۳ و ۸۹۵ و ۸۹۷ و ۸۹۹ و ۹۰۱ و ۹۰۳ و ۹۰۵ و ۹۰۷ و ۹۰۹ و ۹۱۱ و ۹۱۳ و ۹۱۵ و ۹۱۷ و ۹۱۹ و ۹۲۱ و ۹۲۳ و ۹۲۵ و ۹۲۷ و ۹۲۹ و ۹۳۱ و ۹۳۳ و ۹۳۵ و ۹۳۷ و ۹۳۹ و ۹۴۱ و ۹۴۳ و ۹۴۵ و ۹۴۷ و ۹۴۹ و ۹۵۱ و ۹۵۳ و ۹۵۵ و ۹۵۷ و ۹۵۹ و ۹۶۱ و ۹۶۳ و ۹۶۵ و ۹۶۷ و ۹۶۹ و ۹۷۱ و ۹۷۳ و ۹۷۵ و ۹۷۷ و ۹۷۹ و ۹۸۱ و ۹۸۳ و ۹۸۵ و ۹۸۷ و ۹۸۹ و ۹۹۱ و ۹۹۳ و ۹۹۵ و ۹۹۷ و ۹۹۹ و ۱۰۰۱ و ۱۰۰۳ و ۱۰۰۵ و ۱۰۰۷ و ۱۰۰۹ و ۱۰۱۱ و ۱۰۱۳ و ۱۰۱۵ و ۱۰۱۷ و ۱۰۱۹ و ۱۰۲۱ و ۱۰۲۳ و ۱۰۲۵ و ۱۰۲۷ و ۱۰۲۹ و ۱۰۳۱ و ۱۰۳۳ و

عالم فیاضی دوست
خانم الزهراء العبدی
بسم الله الرحمن الرحیم
الحکم خداوند برای بندگان
دینا خالص



وقت نادانی از احکام جانی ناز
علمای بیگانی بمردود اندوخته
نظرش بر تنفسی که کوئی ندارد
بودم در آنوقت نوزده ساله بودا
روایاتی از بیت احرام بارده
زیادت سیدالانام بدون احتیاجات
و بدای احرام دائمی قضای فاقه خضعی را
گفت بنوا اندم که سببین بودیم و بی نیاز
بجای چایه سبب خضعی از سبب چایه میگفتند و قنیه
چایه مجازی فاسری قطع شد زیرا که خضعت
در حق جلالت خود مبنی باید بر قنیه
و چنانچه خدا را کس غلبه حواسی

وقت طفلی همرو والد شدم بر قصد حج
والد ماجد بر رحمت رفت و ماندم
چاره پچارگان از فضل بی پایان خود
منموم بر طریق دین و دادم صدق
دو سال بودم در صریح محرم
بهر تحصیل علوم دین نه از بهر ریاض
بعد از آن غریب وطن را کردم از حبس وطن
هستم اکنون معتکف در مسجد شاه ضیا

از آنکاف مسجد امام بود که در اقامه
انقار آنکاف مسجد مدینه فیضیه
کردم و مسجد مذکور و مدرسه امیر
در کمال اعتدال
در کمال اعتدال

بهر نون ساکن و تنوین پیدایشود
مثالی از حرف تنوین بی باب است
چون که از حکم چهارم پیدایشود
و آن چهار حکم از باب است
اول ظهور است بل از حرف حلقی گشت
دوم لازم است اظهار کردن پیش از آن نشود
سوم است ترتیب حروف حلق در پنج جا
چهارم همزه و مایم عین و حایم غین و خاشد
حکم ثانی هر دو ادغام است در حرف تیره
یرون است آن حروف ادغام باید

حرف او را کردن آن تغییر و تبدل
ادغام فیکه دارد بدون تغییر و تبدل
در هر حرف اصل است و تغییر و تبدل
و فیکه بعد از نون ساکن و تنوین حرف غنی
حالت اصل که اظهار است بدل غنی و تبدل
نیاید حلق و طرف زبان غنی و تبدل
نون ساکن و تنوین حرف غنی

زنده بیان شده و مثال اظهار نون
آن تنوین قبل از حرف حلقی بر ترتیب
عین و مایم عین و حایم غین و خاشد
ادغام فیکه از باب است و ادغام و تبدل
اول است از آن جهت بعد اظهار بیان
و آن حرف غنی و تبدل

ادغام فیکه از باب است و ادغام و تبدل
اول است از آن جهت بعد اظهار بیان
و آن حرف غنی و تبدل
ادغام فیکه از باب است و ادغام و تبدل
اول است از آن جهت بعد اظهار بیان
و آن حرف غنی و تبدل

و اظهر در بريت و در افريت
افشا ادغام و ادغام و ادغام
و اظهر در بريت و در افريت
افشا ادغام و ادغام و ادغام

و اظهر در بريت و در افريت
افشا ادغام و ادغام و ادغام
و اظهر در بريت و در افريت
افشا ادغام و ادغام و ادغام

حکمايش بود مرير ضبط گشت
آن سه خفا هست و ادغام و بعد خطها
حکم اول هست خفا قبل با متحی
نام کن این قسم را خفای شفوی و ادغام
حکم ثانی آمده ادغام در مثل خوش
نام کن او را تو ادغام صغیر
حکم ثالث آمده اظهار در باقی حروف
هست این اظهار شفوی نزد قوم مترا

و اظهر در بريت و در افريت
افشا ادغام و ادغام و ادغام
و اظهر در بريت و در افريت
افشا ادغام و ادغام و ادغام

و اظهر در بريت و در افريت
افشا ادغام و ادغام و ادغام
و اظهر در بريت و در افريت
افشا ادغام و ادغام و ادغام

در هر یک از اینها که در این کتاب است
و اینها را در هر یک از اینها که در این کتاب است
و اینها را در هر یک از اینها که در این کتاب است

در هر یک از اینها که در این کتاب است
و اینها را در هر یک از اینها که در این کتاب است
و اینها را در هر یک از اینها که در این کتاب است

در هر یک از اینها که در این کتاب است
و اینها را در هر یک از اینها که در این کتاب است
و اینها را در هر یک از اینها که در این کتاب است

کتاب در هر یک از اینها که در این کتاب است

[illegible]

این حکم خف عقیقه نیز و او اهدیست
در حروف چاره اظهار گفتم چا
نیز ادغامش بود در چهارده حرفی که
غیر مذکور آنچه باقی ماند از حرفها
تا و تا و دال و ذال و لا و ز و سین و شین
صاد و ضاد و ط و ظ و لام و نون این
نام دارد و لام مظهر قمری در عرف شان
لام مدغم را بکن شمس مسمی که

درین چهاردهم فواید و احکام و
که طلب کن فید خود را و خوف کن از عیب
با کمال و از خوف و خوف و با این که
معنی بیت ظاهر است حاجت بیان
ندارد

۱۴
بر کلام آن عاقله بیان
که لام تعریف در هر واحد از آنها اذغام
نبود و بیت و شست حرف تمام شد
و حرف مد بعد از آن است شده
که نمی آید
و فیکلام تعریف درست جهت شایسته
بعضی از آنها قاف و در بعضی
بعضی حرف قاف و در بعضی
لام بانه لام

تتمتع بغيره من غير أن يتبعه في غير ذلك

و او یالین است در حال سکون از بعد فتح
همچو خوف و صیف الف گشته ازین سر
از برای عرف مداحکام سه باشد مدام
آن وجوب است و جواز و هم لزوم بی
پس وجوب است از بیاید غمره بعد از هر
هر دو در یک کلمه جارت مثل شالی خوش
است جائز مد و قصر منفصل از هم بود
هر یکی در کلمه نیست فصل ایی نوا

و او یالین است در حال سکون از بعد فتح
همچو خوف و صیف الف گشته ازین سر
از برای عرف مداحکام سه باشد مدام
آن وجوب است و جواز و هم لزوم بی
پس وجوب است از بیاید غمره بعد از هر
هر دو در یک کلمه جارت مثل شالی خوش
است جائز مد و قصر منفصل از هم بود
هر یکی در کلمه نیست فصل ایی نوا

و او یالین است در حال سکون از بعد فتح
همچو خوف و صیف الف گشته ازین سر
از برای عرف مداحکام سه باشد مدام
آن وجوب است و جواز و هم لزوم بی
پس وجوب است از بیاید غمره بعد از هر
هر دو در یک کلمه جارت مثل شالی خوش
است جائز مد و قصر منفصل از هم بود
هر یکی در کلمه نیست فصل ایی نوا

و روایت سوم جاز است که دریم فرات
طول توسط قصر و حقیقت جمع از
در همین است که جوارش مقید
بر یک فرات نیست بخلاف
مفصل و بدل که جوار آن بود
نست بعضی فرات است مثال
مذکور است باقی را بر آنها

مثل این که عارض آید ساکن اندر حال
تعلیم و تعبد و احترام مشا

یا مقدم بنده از صرف مدود آید و این
شد بدل نامش مثالش آمنوی ذبی
هست لازم مگر بعدش کون ابی بو
حال صیل و وقف مدش طویل گردد

سایه تقسیم مد لازم از کتب آرمه تعریف است
قسمهای مد لازم چار باشد ز دنیا
کلی صریفی بود همراه او چون کمال

و نقص است مذکور
قیاس کنید
فهم سوم میباید مثل است
بدل از غیر پس از غیر میباید مثل است که هر قدر
و ایمانا که در مثال اول الف دوم و او دور
مثال دوم است که بعد از حرف مد سکون
میاید و سکونش اصلی و لازم باشد مثل
مثال سوم بافتن یقین اولیه دو فهم می شود
نقص دوم هر فهم آن دو فهم می شود

میان آن که باشد دهنی که
کلی و دلا این مثال منی

بدر لازم حرفی بود لازم سوا تاج را مدام
سور با باشد و در غیر اینها سوا تاج را مدام
بدر لازم حرفی بود لازم سوا تاج را مدام
سور با باشد و در غیر اینها سوا تاج را مدام

و چون قاف صا در کمال آن پنج حرف
عمل صحیحی نیست حرف باقیه میشود
لازم حرفی درین حروف صحت است و درین
صحت از جمله این حروف صحت است و درین
صحت از جمله این حروف صحت است و درین

لازم حرفی درین حروف صحت است و درین
صحت از جمله این حروف صحت است و درین
صحت از جمله این حروف صحت است و درین
صحت از جمله این حروف صحت است و درین

لازم حرفی بود لازم سوا تاج را مدام
شد وجودش منحصر در شش حرف
کم عمل بانون قاف و صا جمعی میشود
لیک در عین از میان این دو وجه
در بود حرفیکه نبود او ثانی یا الف
مداو باشد طبعی شد اشارت سابقا
هست اینهم در فو اتح از سور کو شد بیا
در حروف حتی طاهر شش حرفی

در حروف حتی طاهر شش حرفی
در حروف حتی طاهر شش حرفی
در حروف حتی طاهر شش حرفی
در حروف حتی طاهر شش حرفی

معی اختیاریست و درین معنی هر دو
 کلمه در لغت یکسانند و درین معنی هر دو
 نام و حال مراد یکدیگرند
 که در لغت یکسانند و درین معنی هر دو
 نام و حال مراد یکدیگرند
 که در لغت یکسانند و درین معنی هر دو
 نام و حال مراد یکدیگرند

جمع می آرد فوایح را حروف چار و
 صد و شصت و شش است تمام این حرف
 شد تمام این نظم بر حمد خداوند کریم
 حمد باری بر نماش میکنیم بی انتها
 پس هزار از مادر و دو صد هزار از نام
 بر ختام استبیا احمد محمد مصطفی
 تیر بر اصحاب و بر آل و تمامی تابعین
 هم جمیع قاریان و سامعان را والد

مراد فوایح
 اینها جمع می آید
 از آن عبارت است از
 بیست و شش حرف
 مصطفی پاک
 در تفسیر
 قاریان و سامعان
 از قاری و سامع قرآن
 و سامع این رساله را هم
 در جمیع دعا

تدوین این کتاب در حد و حدود
موفق اند و غنی تدوین در خارج
رساله بایان شده غنی
صاحب عقل

این کتاب مذکور است عبارت عربی
از زبان مصنف اصل رساله از
عبارت شریعی است
و غنی آن انگلیز است
انسان می کند این رساله را
غنی و از تصدیق کرده بر احکام آن
عمل می کند و غنی

۲۳
فصل از تالیف و تنظیم زنده بود
مسائل بود و بود و بود
نظم بر مسائل از بیدار بعد
از کتاب معتبر و مستدول جمع کرده
فصل مضاف نمود در آن

تیمایش شصت و یک اندر عدد تمام
خارج از تدوین باشد یادگیری دی
هست تاریخش هزار و یکصد و شصت و بود
آن بود تاریخ اصل نظم شیخ دی
تم کلامی غنی ترجمه تحت الاطفال عربی مکرر
شیخ محرم محمودی و ابیا چند در ترمه ساله بر
در هزار و صد و هجده تمام این نظم شده
در زبان پارسی از جبر مرد پارسی

این بر سر قلم است علم که بر سر
 خود داشت و صفی دارد
 گفت که بواسطه پیر و پارس
 برادر دانه شود و صف
 به وصف کند و از آن وصف
 مسامی شخص هم وصف شود
 نیک علم است و فرزندان
 جانی گفت و قاری لقب
 نیک علم تر کرد

بصورت فارسیان و حافظان و ناظران

برضا را خلاص منظره خواندین خاطر عقیدت ما را برادران
 شرح مبین پوشیده و مستتر مباد که در علم تجوید بحث از مخارج
 و صفات حروف قرآنی میشود و از علم مخارج و صفات همراهِ
 آن حروف قرآن مجید صحیح ادای شوند و در قرارت قرآن سرف
 از اتصال جمیع حروف کلمه واحده و حرف آخر کلمه اول با
 کلمه آخر چار است مگر وقتی که وقف شود و در وقف خطا را
 و اعتباری بیان شده که اعاده لازم است و در وقف احتیاط
 در امام و کافی و انتهای آیت اعاده نیست و در وقف جن
 هم اعاده است که انتهای آیت نباشد و مقدار مصروحه
 در نماز بقدر یک آیت است و مقدار واجب یک آیت
 طویل بایسته آیت قصیر همراه فاتحه و زیاده بران سنت است
 و مستحب چنانچه از کتب تفصیل آن دانسته شده هر قدر
 در قرارت قرآن کریم اتصال جمیع حرف اول آیت تا آخر آیت
 لازم است حرف اول کلمه بدوم آن و دوم به سوم و

تا آخر کلمه و حرف آخر کلمه اول تا بول کلمه ثانی و همچنان حرف آخر
کلمه ثانی بحرف اول کلمه ثالث و همچنان از اول هر آیت تا آخر
تا که اطلاق قرآن کریم از اتصال حروف و کلمات در مسیح
الفاظ آیت شود بمثلیکه اگر کسی بگوید که احمد و یا احمد لله و یا
احمد لله رب هرگز اطلاق قرآن مجید بران کرده نشود مگر بکلیه
بگوید احمد لله رب العالمین گفته میشود که این شخص آیت قرآن
شریف را خواند و همچنان تا و الناس و اگر شخصی از جهت احتیاج
تنفس و یا حصر وقف کرد باید که محل وقف خود را چنانچه
در متن و شرح رساله بیان شده ملاحظه فرموده بقدر امکان
ذکر شده عمل نماید و ازین ضابطه که در کلمات متفرقه احمد لله
رب العالمین بیان شده اهل بصیرت میدانند که آنچه
که در افواه و السعواء جاریست که در سوره فاتحه از بعضی کلمات
بر بعضی چند جا اسم شیطان لازم میگردد غلط صحیح و خطای علمی
بلکه از وهم پیداشده نه از نقل است و نه از عقل و تمسکان چنین
مسائل با وجودیکه از علم روایت بنی هبره انداز علم درایت

هم عاری اندانند فکر کرده اند که قرآن کریم از اسم شیطان کی مجز
گردانیده شده بلکه نام شیطان و ابلیس در خود آیات قرآن مجید
موجود است و قرات آن آیات بلا تفاوت صحیح صلوة است
مثل دیگر آیات پس از رزوم اسم شیطان در قرآن شریف چه
لاحق شد و آنچه که ملا علی قاری رحمت الله علیه جهت تنبیها
درین باب در صفحه شتاد و چهارم شرح جزئیة مطبوعه مصر تصریح
کرده است و اذا اتقوا لفظ فلا عبرة بالارادة قول و ما اشر
على اسان بعض الجملة من القرآن فی سورة الفاتحة للشیطان
کذا من الاسماء فی مثل هذه التراكيب من البناء فخطا فاحش
و طلاق متبجح ثم سکتهم علی نحو دال الحمد و کاف ایاک و مثالها
غلط صریح حاصل عبارت جناب قاری مرحوم است
آنچه که بر زبان جا بلان قرآن مشهور شده که در سورة فاتحه
از ترکیب کلمات چند جا اسم شیطان است خطای فاحش و
اطلاق متبجح است و نیز سکتة نمون ایشان بر دال الحمد و کاف
ایک و مثل آن غلط صریح است

خاتم سراج

الحمد لله الذي انزل على عبده قرآن المجيد وحفظه من اجل حروقه
عن الخطا والزلل بعلم التجويد ونصلي وسلم على رسوله الحميد وآله وصحبه الطيبين
كئين خلاصة كتب متقدمين وملتقط صحف متأخرين مجموع متطوع
مولف قاری نیک محمد کریم ربیعہ کہ تحصیل علم تجوید وسند علم
مذکور از علمای تبحرین حرمین شریفین نموده در وطن مالوف خود
مراجعت فرمود کہ زبان و صاف از اوصاف الفاظش کو تاء و
در زیر حرف یاء د خند چون مهر و روشن چون ماه است و
سر که کاتب دیوان سراسی خلد کشد و سواد نامه آن بر بیاض
دیدہ جور بحسب فرمان واجب الاذعان خدیو جهان
وسلطان آوان مالک رقاب اقوام افغانستان غیاث
الاسلام و المسلمین حضرت سراج المملکة والدين خلده الله
ملک و سلطان با تمام راجی عفو لمنان حاجی عبد الخالق خان هرگز
مطبوعه شاهی و بقلم مشکین رقم میرزا شیر محمد تبارخ مجید جمادی الثانی ۱۲۸۵

